



پیش بینی روابط فرازناشویی براساس روابط ابژه و مرزهای زوجینی با میانجی گری احساس تنهایی در زنان متأهل

پروانه غلامیان*^۱، جعفر هوشیاری^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش بینی روابط فرازناشویی براساس روابط ابژه و مرزهای زوجینی با میانجی گری احساس تنهایی در زنان متأهل به روش همبستگی از نوع مدل یابی معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان متأهل ساکن منطقه ۵ شهر تهران در سال ۱۴۰۱ بود که تعداد ۴۰۰ نفر از ایشان با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه گیری در دسترس برای ورود به پژوهش انتخاب شدند. داده ها با استفاده از پرسش نامه های احتمال روابط فرازناشویی، روابط ابژه، مرزهای زوجینی خانواده و پرسش نامه احساس تنهایی جمع آوری و با نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ و نرم افزار AMOS نسخه ۲۴ تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین روابط فرازناشویی با روابط ابژه، مرزهای زوجینی و احساس تنهایی در زنان متأهل رابطه معنادار وجود دارد. براین اساس، روابط فرازناشویی در زنان متأهل را می توان براساس روابط ابژه و مرزهای زوجینی با نقش میانجی گری احساس تنهایی پیش بینی نمود. همچنین احساس تنهایی می تواند در رابطه فرازناشویی، روابط ابژه و مرزهای زوجینی، نقش میانجی ایفا نماید. ازاین رو، با رعایت و متناسب نمودن روابط ابژه و مرزهای زوجینی و همچنین رفع احساس تنهایی زنان متأهل، می توان زمینه های کاهش روابط فرازناشویی را فراهم نمود.

واژگان کلیدی: روابط فرازناشویی، روابط ابژه، مرزهای زوجینی، احساس تنهایی در

زنان، خیانت زناشویی، زنان متأهل.

Doi: 10.22034/ijwf.2023.14945.2039

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰
۱. کارشناس ارشد روان شناسی عمومی، دانشکده روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، ساوه، ایران.

Email: parvaneh.gholamiyan۰۰۹@gmail.com

۲. استادیار گروه روان شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: j.houshyari@yahoo.com

* مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی پروانه غلامیان می باشد که با حمایت علمی و معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه انجام شد.

Predicting Extramarital Relationships Based on Thematic Relations and Marital Boundaries with the Mediation of the Feeling of Loneliness among Married Women

Parvaneh Gholamian¹, Jafar Houshyari²

This correlational study was conducted with the purpose of predicting extramarital relationships based on thematic relations and marital boundaries with the mediation of the feeling of loneliness among married women using structural equation modeling. The population included all married women living in Tehran, Zone 5, in 2022. 400 women were selected as the sample by Cochran's formula and the convenience sampling. The data were collected using the questionnaires of the probability of extramarital relationships, thematic relations, family marital boundaries, and the feeling of loneliness, and they were analyzed by the SPSS-26 and AMOS-24. According to the results, extramarital relationships can be predicted by thematic relations and marital boundaries with the mediation of the feeling of loneliness among married women. In addition, the feeling of loneliness can play a mediatory role in extramarital relationships, thematic relations, and marital boundaries; thus, by adjusting thematic relations and marital boundaries, as well as eliminating the feeling of loneliness among married women, it can be possible to decrease extramarital relationships.

Keywords: extramarital relationships, thematic relations, marital boundaries, feeling of loneliness among women, infidelity, married women.

Paper Type: Research

Data Received: 2022 / 12 / 27 Data Revised: 2023 / 05 / 22 Data Accepted: 2023 / 05 / 31

1. M.A. in Psychology, Faculty of Psychology, Islamic Azad University, Saveh Branch, Saveh, Iran.

Email: parvaneh.gholamiyan009@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Psychology, Higher Education Complex of Humanities, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. (Corresponding Author)

Email: j.houshyari@yahoo.com

۱. مقدمه

خانواده یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی، اساس تشکیل جامعه و حفظ عواطف انسانی است و هرگونه نارسایی در عملکرد خانواده تبعات ناگواری هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی به دنبال دارد. یکی از نیازهای عاطفی انسان ایجاد روابط انسانی است و ازدواج، ساختاری اساسی برای بنیان نهادن رابطه خانوادگی است. (روزن گرندون، میرز و هاتی،^۱ ۲۰۰۴، به نقل از عارفی، رحیمی و شیخ اسمعیلی، ۱۳۹۵) درمیان تعاملات گوناگون انسانی، تعهد مهمترین جنبه کیفی یک رابطه است. پایبندی به عهد و پیمان ازدواج، مکانیزمی دوام بخش است که اهمیت بسزایی دارد و از ویژگی های ازدواج های موفق و طولانی است (میچر^۲، ۲۰۱۳، به نقل از گودرزی، کیخسروانی، دیره و گنجی، ۱۳۹۵). برای موفقیت یک ازدواج، تعهد نسبت به همسر و نسبت به نهاد ازدواج مهم است. تعهد، جاذبه و تفاهم، سه رکن اساسی ازدواج های موفق است. تعهد زناشویی، قوی ترین و پایدارترین عامل پیش بینی کننده کیفیت و ثبات زناشویی است (لمبرت و دولاهیت،^۳ ۲۰۰۸). پایین آمدن سطح تعهد زناشویی باعث دلزدگی زناشویی و ایجاد روابط فرازناشویی^۴ می شود (اسدی، فتح آبادی و محمدشریفی، ۱۳۹۲). روابط فرازناشویی، تجربه ای گیج کننده و دردناک و یکی از دلایل عمده طلاق و ازهم پاشیدن نظام خانواده است (جوی و لی، ۲۰۲۱^۵). روابط فرازناشویی، عبور فرد از مرز رابطه زناشویی با برقراری صمیمیت فیزیکی یا عاطفی فرد با فردی خارج از حیطه زناشویی است. روابط فرازناشویی شامل برقراری ارتباط جنسی فرد متأهل با جنس مخالف، خارج از چارچوب خانواده (غیر از همسر) است (رفیعی، حاتمی و فروغی، ۱۳۹۰). روابط فرازناشویی را می توان نقض تعهد رابطه دونفره دانست که باعث شکل گیری درجانی از صمیمیت عاطفی و فیزیکی با فردی خارج از نظام خانواده می شود. به دلیل تابو بودن این مسئله، پیشینه و بررسی روشنی درباره این موضوع وجود ندارد (مدرسی، زاهدیان و هاشمی محمدآباد، ۱۳۹۳؛ آویرام و آمیچای- هامبورگر،^۶ ۲۰۰۶).

عوامل متعددی در بروز روابط فرازناشویی تأثیر دارند. اشمیت، گرین، سیبلی و

1. Rosen-Grandon, J. R., Myers, J. G., & Hattie, J. A.
2. Macher, S.
3. Lambert, N. M., & Dulahite, D. C.
4. marital infidelity
5. Choy, B. K. C., & Li, N. P
6. Aviram, I., & Amichai-Hamburger, Y.

پروتی^۱ (۲۰۱۶) نشان دادند که روابط ابژه^۲ مختل، هم علت و هم پیامد روابط فرزاناشویی است. براساس دیدگاه نظریه پردازان روابط ابژه، انسان‌ها به‌طور عمومی مستعد درگیر شدن در الگوهای تعاملی حفظ‌کننده مشکل هستند؛ زیرا آنها روابط کنونی خود را براساس نقشه‌های ارتباطی ناهشیار برقرار می‌کنند که در طول سال‌های اولیه زندگی شکل گرفته است (گلیک، رایت، هرو و آشر، ۲۰۱۷). اسکارف و اسکارف^۴ (۲۰۱۴) معتقدند اشخاصی که در یک خانواده زندگی می‌کنند ابژه‌های سرکوب‌شده درونی خود را بر روی یکدیگر فراقکنی کرده و یکدیگر را وادار به پذیرش این نقش از راه فرآیند همانندسازی می‌کنند (محسنی‌کبیر، دهقانی و کیامش، ۲۰۱۵). در این رویکرد عقیده بر این است که مشکلات ارتباطی فعلی فرد انعکاسی از مسائل خانواده اصلی اوست و هر شخص، باورهای ایده‌آل‌گرایانه‌ای در مورد روابط خانوادگی دارد و می‌خواهد نیازهای برآورده نشده‌اش از روابط دوران کودکی با والدینش را در خانواده و بر روی فرزندان پیاده کند (سیگل^۵، ۲۰۲۰).

از دیگر عوامل تأثیرگذار بر روابط فرزاناشویی زوجین، مرزهای زوجینی^۶ خانواده است. الیزر و مینوچین^۷ (۱۹۹۰) معتقدند مرزهای زوجینی خانواده، خطوط فرضی حاصل از الگوهای رفتاری، قوانین و انتظاراتی است که زیرمنظومه زوجینی را از سایر زیرمنظومه‌ها و بیرون خانواده متمایز کرده و کمیت و کیفیت تعاملات زوجین با یکدیگر و با بیرون از زیرمنظومه خود را معین می‌کنند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۸). خانواده، زیرمنظومه‌ها و مرزهای آن از موضوعات مهمی است که در آموزه‌های اسلامی و در آیات قرآن براساس رویکرد ساخت‌نگر به آنها اشاره شده است. اهمیت مرزهای خانواده در آموزه‌های اسلامی به این دلیل است که ایفای نقش‌های خانوادگی و سلامت روانی، عاطفی، جنسی و سایر ابعاد سلامت اعضای خانواده به وجود مرزهای بهنجار خانواده بستگی دارد. نظام تعاملات زوجین در خانواده و قوانین آن در آموزه‌های اسلامی با نام اخلاقیات و احکام عملی ناظر

- Schmidt, A. E., Green, M. S., Sibley, D. S., & Prouty, A. M.
- object relations
- Glick, I. D., Rait, D. S., Heru, A. M., & Ascher, M.
- Scharff, D. E., & Scharff, J. S.
- Siegel, D.
- marital boundaries
- Elizur, J., & Minuchin, C.
- Goldenberg, H., & Goldenberg, I.

به تنظیم روابط زیرمنظومه زوجینی با یکدیگر و با بیرون از خود و همچنین با خانواده اصلی بیان شده است که از آن به الگوی اسلامی مرزهای زوجینی خانواده تعبیر می‌شود. حدود تعاملات جنسی زوجین، حدود انتظارات دوسویه زوجینی، فضای روانی- فیزیکی اختصاصی، رازداری زناشویی و انعطاف در برابر یکدیگر، عمده‌ترین مرزهای زیرمنظومه زوجینی است. ممنوعیت ورود فرزندان به فضای روانی- فیزیکی والدین، مجزا بودن بستر والدین و فرزندان، پرهیز والدین و فرزندان از نگاه به اندام‌های خصوصی یکدیگر، ممنوعیت سلب مسئولیت نسبت به فرزندان و ممنوعیت ایزد فرزندان و والدین نسبت به یکدیگر از مرزهای زیرمنظومه والدینی است (هوشیاری، صفورایی پاریزی، جزایری و تقییان، ۱۳۹۹).

عامل دیگر در زمینه زندگی زناشویی احساس تنهایی است که تجربه‌ای منفی و ذهنی است. احساس تنهایی به حالتی گفته می‌شود که در آن فرد، فقدان روابط با دیگران را ادراک یا تجربه می‌کند. تنهایی با دو ویژگی انزوای اجتماعی و انزوای هیجانی شناخته می‌شود. (هسیه و هاوکلی،^۱ ۲۰۱۷) انزوای هیجانی بر فقدان دلبستگی دوستانه دلالت دارد، ولی انزوای اجتماعی به نبود روابط با مردم و شبکه‌های اجتماعی در دسترس و شمار کوچکی از روابط اشاره دارد. احساس تنهایی، عناصر اصلی و مهمی دارد که عبارتند از: احساس نامطلوب فقدان یا ازدست دادن همدم، جنبه‌های ناخوشایند و منفی روابط ازدست رفته و ازدست دادن سطح کیفی روابط با دیگران (گیرولد، گرونو، هوگن دورن و اسمیت،^۲ ۲۰۰۹). افرادی که احساس تنهایی را تجربه می‌کنند چون با انتظارات و پیش‌بینی‌های منفی وارد مسیر گفت‌و شنود می‌شوند و به دلیل فقدان مهارت‌های اجتماعی لازم در برقراری و تداوم روابط دوستانه و نزدیک، شکست می‌خورند. این افراد در روابط اجتماعی، مضطرب و خودآگاه و نسبت به طرد شدن حساس می‌باشند (عیسی‌نژاد و باقری،^۳ ۲۰۱۸). آنها در برقراری روابط دوستانه، انجام فعالیت‌های اجتماعی، شرکت در گروه‌ها، لذت بردن از مهمانی‌ها و در کنترل محیط با مشکل مواجه می‌شوند همچنین خود را منفی، کم‌ارزش، حقیر، دوست‌نداشتنی و از نظر اجتماعی نالایق می‌دانند و عزت نفس پایین‌تری دارند (استوکس^۳، ۲۰۱۷).

1. Hsieh, N., & Hawkley, L.

2. Gierveld, D. J., Broese Van Groenou, M. I., Hoogendoorn, A. W., & Smit, J. H.

3. Stokes, J. E.



بررسی ادبیات و پیشینه مطالعاتی درباره متغیرهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که تحقیقات محدودی، متغیرهای پژوهش حاضر و رابطه بین آنها را بررسی کرده است. در این رابطه عباسی، فتحی‌آشتیانی، فراهانی و آزاد فلاح (۱۴۰۰) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که بین رضایت زناشویی با ابعاد روابط ابژه (خودمیان بینی، بیگانگی، دلبستگی ناایمن و بی‌کفایتی اجتماعی) رابطه منفی معنادار وجود دارد. تقیان و قاسمی مروج (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی نتیجه گرفتند که بین تعهد زناشویی با مرزهای بیرونی خانواده رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. همچنین بین تعهد زناشویی با تمایز یافتگی زوجین رابطه مثبت معنادار وجود دارد و نیز مرزهای زوجینی خانواده به صورت کامل در رابطه بین تمایز یافتگی خود و تعهد زناشویی نقش میانجی دارد. براساس یافته‌های پژوهش آنها، برای ارتقای سطح تعهد زناشویی باید اصلاح و بهبود مرزهای زوجینی و تقویت تمایز یافتگی آنها مورد توجه قرار گیرد. یافته‌های پژوهش زارع‌گاریزی، ابراهیمی مقدم و ابوالمعالی الحسینی (۱۳۹۹) نشان داد که تمایز یافتگی، رابطه میان نیازهای بنیادین روان‌شناختی و تعهد زناشویی را از سویی و رابطه بین صمیمیت زناشویی و تعهد زناشویی را از سوی دیگر میانجی‌گری می‌کند و بین آنها همبستگی مثبت وجود دارد. سید موسوی و محرمی (۱۳۹۸) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که ارتباط مثبتی بین ناگویی هیجانی، احساس تنهایی و ترس از صمیمیت با نگرش به روابط فرازناشویی وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش آنها نشان داد که ناگویی هیجانی و ترس، پیش‌بینی‌کننده‌های معناداری برای نگرش به روابط فرازناشویی مردان است. علی‌تبار، قنبری، زاده‌محمدی و حبیبی (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی نتیجه گرفتند که میزان نگرش به روابط فرازناشویی در مردان متأهل با سابقه رابطه جنسی پیش از ازدواج با همسر یا فردی غیر از همسر آینده، تفاوت معنی داری دارد. همچنین بین تعداد شرکای جنسی پیش از ازدواج و نگرش به روابط فرازناشویی رابطه معناداری وجود دارد. بر دوده، راه‌نجات، ربیعی و کیانی مقدم (۲۰۱۸) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که احساس تنهایی به صورت مستقیم با تعارض زناشویی رابطه دارد و تعارض زناشویی نیز یکی از عوامل مهم برای روابط فرازناشویی است. همچنین بین احساس تنهایی و رضایت از زندگی رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ یعنی افرادی که احساس تنهایی بیشتری داشته

باشند رضایت زناشویی کمتری دارند و امکان روابط فرازناشویی در این افراد بیشتر است. نتایج بررسی اشمیت و همکاران (۲۰۱۶) در این موضوع نشان داد که روابط فرازناشویی در زندگی زوجین یکی از قوی ترین پیامدهای روابط ابژه بوده و تعاملات سازگارانه و ناسازگارانه در ایجاد روابط فرازناشویی در خانواده نقش مؤثری دارد. اگر زوجین برای حل تعارض به وجود آمده تلاش کنند، زمینه درک عمیق تر روابط متقابل و ثمربخش به وجود می آید و روابط فرازناشویی کم می شود. همچنین برونس، هانسن و هایر (۲۰۱۹) نشان دادند که بین احساس تنهایی و رضایت از زندگی رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ یعنی افرادی که احساس تنهایی بیشتری داشته باشند رضایت زناشویی کمتری دارند و براین اساس، امکان روابط فرازناشویی در این افراد بیشتر می شود.

بررسی ها نشان داد مطالعه ای که روابط فرازناشویی را با روابط ابژه و مرزهای زوجینی با میانجی گری احساس تنهایی پیش بینی کرده باشد، انجام نشده است. هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال است که آیا روابط فرازناشویی در زنان متأهل را می توان براساس روابط ابژه و مرزهای زوجینی با نقش میانجی گری احساس تنهایی پیش بینی کرد؟

۲. شیوه اجرای پژوهش

۲-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف پیش بینی روابط فرازناشویی براساس روابط ابژه و مرزهای زوجینی با میانجی گری احساس تنهایی در زنان متأهل به روش همبستگی از نوع مدل یابی معادلات ساختاری انجام و مجموعه ای از معادلات رگرسیونی و روابط متغیرهای مشاهده شده و پنهان به طور هم زمان بررسی شد. در پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل داده های به دست آمده و پاسخ گویی به فرضیه های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر در سطح ۰/۰۵ و نرم افزارهای نرم افزار AMOS (نسخه ۲۴) و SPSS (نسخه ۲۶) استفاده شد.

۲-۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان متأهل ساکن منطقه ۵ شهر تهران در سال ۱۴۰۱



بود که تعداد ۴۰۰ نفر از ایشان با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری در دسترس از بین مراجعه‌کنندگان به سراهای محله منطقه ۵ که واجد ملاک‌های ورود به پژوهش بودند، انتخاب شدند. ملاک ورود به پژوهش شامل داشتن حداقل مدرک تحصیلی دیپلم، داشتن تجربه دست‌کم یک سال زندگی مشترک و سن ۱۸ تا ۶۰ سال بود.

۲-۳. ابزار پژوهش

۲-۳-۱. پرسش‌نامه روابط فرازنشویی

این پرسش‌نامه توسط دریگوتاس، سافستروم و جنتیلیا^۱ (۱۹۹۹) طراحی و تدوین شد که شامل ۱۱ گویه در طیف ۸ درجه‌ای لیکرت برای سنجش استعداد روابط فرازنشویی است. دریگوتاس و همکاران (۱۹۹۹) معتقدند نمره بالا یا میانه این آزمون نشان‌دهنده رابطه فرازنشویی همراه با رابطه جنسی است. پایایی پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ و روایی آن با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون ۰/۸۰ است که بیان‌گر قابلیت سنجش روابط فرازنشویی است. در پژوهش حاضر برای سنجش پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب آن ۰/۸۶۹ و روایی آن با ضریب همبستگی پیرسون ۰/۸۲۸ بود که نشان‌دهنده پایایی و روایی مناسب پرسش‌نامه است.

۲-۳-۲. پرسش‌نامه روابط ابژه

در پژوهش حاضر برای مطالعه روابط ابژه از پرسش‌نامه روابط ابژه بل^۲ استفاده شد که بخشی از پرسش‌نامه ۹۰ سؤالی بل است که در سال ۱۹۹۵ تدوین یافته و در جمعیت بالینی و غیربالینی برای سنجش روابط بین فردی و در تشخیص و پیش‌بینی آسیب‌های روانی به کار می‌رود. این مقیاس در سنجش کارکرد ایگو (کیفیت روابط ابژه و واقعیت آزمایی) توسط میچل و بلک^۳ (۱۹۹۵) برای اندازه‌گیری اثرات بالینی درمان روان‌کاوی درازمدت برای بیماری اسکیزوفرنیا استفاده شد و کاربرد آن در بسیاری از زمینه‌های پژوهشی در آسیب‌شناسی روانی و رفتار بهنجار نشان داده شده است. پرسش‌نامه روابط ابژه بل ۴۵ ماده دارد که به صورت صحیح و غلط به آن پاسخ داده می‌شود و با چهار خرده‌مقیاس،

1. Drigotas, S. M., Safstrom, C. A., & Gentilia, T.

2. Bell Object Relations and Reality Testing Inventory (BORRTI)

3. Mitchell, S., & Black, M.

ارزیابی دقیق و معتبری از روابط ابژه را ارائه می دهد. این خرده مقیاس ها عبارتند از: بیگانگی، دلبستگی ناایمن، خودمیان بینی و بی کفایتی اجتماعی. میچل و بلک (۱۹۹۵) درباره پایایی و روایی این پرسش نامه گزارش کردند که این ابزار چون قادر به تفکیک جمعیت بالینی است از نظر اعتبار تفکیکی، درجه بالایی دارد. همچنین از نظر همبستگی بالای آن با دیگر ابزارهای سنجش آسیب پذیری روانی، اعتبار هم زمان قابل قبولی برای آن برآورد شده است. بررسی مقدماتی روایی و پایایی پرسش نامه روابط ابژه بل توسط هادی نژاد، طباطباییان و دهقانی (۱۳۹۳) صورت گرفته است. آنها ضریب آلفای کرونباخ را برای بی کفایتی اجتماعی، خودمحوری، دلبستگی ناایمن و بیگانگی به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۴، ۰/۷۴ و ۰/۸۵ گزارش کردند. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ برای کل پرسش نامه روابط ابژه بل ۰/۸۰۹، برای خرده مقیاس بیگانگی ۰/۷۹۶، دلبستگی ناایمن ۰/۸۷۱، خودمحوری ۰/۷۵۳ و بی کفایتی اجتماعی ۰/۶۹۹ بود. دامنه ضرایب همبستگی دومتغیری بین مؤلفه های تشکیل دهنده پرسش نامه روابط ابژه بل بین ۰/۵۲۳ تا ۰/۷۸۳ بود که از نظر آماری در سطح آماری ۰/۰۱ > p معنی دار است. بنابراین این پرسش نامه، پایایی و روایی مطلوبی دارد و ابزار مناسبی برای سنجش روابط ابژه در این جامعه مورد مطالعه است.

۳-۳-۲. پرسش نامه مرزهای زوجینی خانواده

پرسش نامه مرزهای زوجینی خانواده مورد استفاده در مطالعه حاضر توسط هوشیاری و همکاران (۱۳۹۹) براساس آموزه های اسلامی ساخته و ویژگی های روان سنجی آن بررسی شده است. این پرسش نامه ۶۶ گویه در طیف چهار درجه ای لیکرت دارد که شش زیرمؤلفه تعهد خاص زناشویی، مرزهای تعاملات جنسی زوجین، مرزهای تعاملات غیرجنسی زوجین، فضای روانی-فیزیکی اختصاصی، رازداری خانوادگی زناشویی و حدود انتظارات دوسویه را اندازه گیری می کند. نمره بالا در این پرسش ها نشان دهنده مطابقت تعاملات آنها با معیارهای دینی، نگرش مثبت زوجین نسبت به یکدیگر و پایبندی آنها به قوانین اخلاقی و حقوقی زیرمنظومه زوجینی است و از بهنجار بودن مرزهای زوجینی حکایت می کند. روایی این ابزار با روش تحلیل عاملی تأیید و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ است. برای بررسی روایی سازه و برآورد پارامترهای گویه ها، این پرسش نامه بر روی نمونه ای ۵۰۸ نفری



از جامعه آماری اجرا شد. نتایج تحلیل عاملی، تأییدکننده روایی سازه پرسش نامه مرزهای زوجینی است و همه شاخص ها نشان دهنده برازش مناسب مدل تحلیل عاملی تأییدی این پرسش نامه است. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ برای کل پرسش نامه مرزهای زوجینی ۰/۷۸۱، زیرمؤلفه تعهد خاص زناشویی ۰/۸۴۶، مرزهای تعاملات جنسی زوجین ۰/۸۱۲، مرزهای تعاملات غیرجنسی زوجین ۰/۷۳۲، فضای روانی-فیزیکی اختصاصی ۰/۷۴۳، رازداری خانوادگی زناشویی ۰/۸۷۰ و حدود انتظارات دوسویه ۰/۸۵۴ بود. دامنه ضرایب همبستگی دومتغیری بین زیرمؤلفه های تشکیل دهنده پرسش نامه بین ۰/۴۰۱ تا ۰/۸۱۱ قرار داشت که همه ضرایب محاسبه شده از نظر آماری در سطح آماری $p < ۰/۰۱$ معنی دار بود. بنابراین، می توان گفت که این پرسش نامه و هریک از مؤلفه های مورد سنجش در آن، پیش بینی کننده مناسبی برای سنجش مرزهای زوجینی است.

۲-۳-۴. پرسش نامه احساس تنهایی

این پرسش نامه که توسط راسل، پپلاو و کورتونا^۱ (۱۹۸۰) ساخته شد شامل ۲۰ گویه در طیف چهاردرجه ای لیکرت است. پایایی این آزمون در نسخه جدید تجدیدنظر شده با آلفای کرونباخ ۰/۷۸ و به روش بازآزمایی ۰/۸۹ گزارش شده است. این مقیاس توسط شکرکن و میردریکوند ترجمه و پس از اجرای مقدماتی و اصلاحات، به کار گرفته شد (نادری و حق شناس، ۱۳۸۸). میزان آلفای کرونباخ به دست آمده این پرسش نامه در پژوهش حاضر ۰/۸۷۸ بود که نشان دهنده پایایی مناسب پرسش نامه است.

۳. یافته های پژوهش

جدول ۱

ماتریس همبستگی بین متغیرهای مرزهای زوجینی، روابط ابژه، احساس تنهایی و روابط فرازناشویی

متغیرها	مرزهای زوجینی	روابط ابژه	احساس تنهایی	روابط فرازناشویی
مرزهای زوجینی	-			
روابط ابژه	**۰/۳۷	-		
احساس تنهایی	**۰/۳۸	**۰/۵۸	-	
روابط فرازناشویی	**۰/۵۶-	**۰/۵۴	**۰/۶۱	-

جدول ۱ ضرایب همبستگی بین متغیرهای روابط فرازناشویی، مرزهای زوجینی، روابط ابژه و احساس تنهایی را نشان می‌دهد. مطابق این جدول، همبستگی بین متغیرهای روابط فرازناشویی و مرزهای زوجینی به طور منفی معنی دار بوده و همبستگی بین سایر متغیرها با یکدیگر به طور مثبت معنی دار بوده‌اند ($p < 0/01$).

جدول ۲

میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی نمره روابط فرازناشویی، مرزهای زوجینی، روابط ابژه و احساس تنهایی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
روابط فرازناشویی	۲۳/۶۸	۷/۹۳	-۰/۷۴	-۰/۲۰
مرزهای زوجینی	۱۳۶/۷۴	۳۳/۷۹	-۰/۴۱	-۱/۰۱
روابط ابژه	۲۸/۷۰	۱۳/۱۲	-۰/۴۵	-۰/۲۶
احساس تنهایی	۵۲/۹۷	۷/۱۱	-۰/۰۳	-۰/۵۸

($n=400$)

براساس جدول ۲، مقادیر چولگی و کشیدگی همه متغیرهای مورد مطالعه در بازه ۲، قرار دارد. بنابراین، توزیع داده‌های تک‌متغیری، نرمال است. مفروضه هم خطی بودن متغیرهای پیش‌بین به کمک عامل تورم واریانس^۱ و ضریب تحمل^۲ بررسی شد. مقادیر عامل تورم واریانس همه متغیرهای پیش‌بین، کوچک‌تر از ۱۰ و مقادیر تحمل آنها بزرگ‌تر از ۱/۰ بوده و نشان دهنده برقراری مفروضه هم خطی بودن در بین داده‌های پژوهش حاضر است. برای ارزیابی برقراری یا عدم برقراری مفروضه نرمال بودن توزیع چندمتغیری از اطلاعات مربوط به فاصله ماهالانوبیس^۳ استفاده شد که به ترتیب ۵۶/۰ و ۱۹/۰- به دست آمد. سطح معنی داری به دست آمده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف^۴ بر روی متغیرهای مورد مطالعه بیشتر از ۵/۰ بود که نشان دهنده برقراری مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌های چندمتغیری در پژوهش حاضر است.

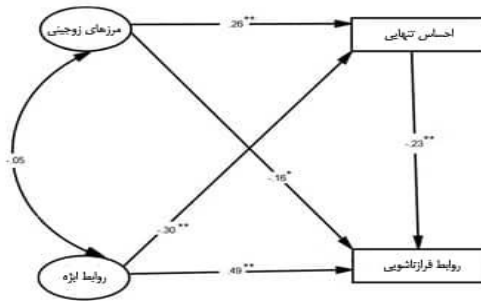
1. Variance Inflation Factor
2. Tolerance
3. Mahalanobis Distance
4. Kolmogorov- Smirnov test

جدول ۳

ضرایب مسیر کل، مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری

مسیر	متغیرهای مکنون	b	S.E	β	p
مستقیم	روابط ابژه ← احساس تنهایی	۰/۲۰۱	۰/۰۴۰	۰/۳۷۱	۰/۰۰۱
	مرزهای زوجینی ← احساس تنهایی	-۱/۱۷	۰/۳۷۳	-۰/۲۶۱	۰/۰۰۱
	احساس تنهایی ← روابط فرازنشویی	۰/۲۶۲	۰/۰۸۴	۰/۲۳۵	۰/۰۰۵
	روابط ابژه ← روابط فرازنشویی	۰/۰۸۶	۰/۰۳۷	۰/۱۴۲	۰/۰۲۳
	مرزهای زوجینی f ← روابط فرازنشویی	-۰/۷۸۵	۰/۳۲۲	-۰/۱۶۵	۰/۰۱۳
غیر مستقیم	روابط ابژه ← احساس تنهایی ← روابط فرازنشویی	۰/۰۵۳	۰/۰۱۳	۰/۰۸۷	۰/۰۰۱
	مرزهای زوجینی ← احساس تنهایی ← روابط فرازنشویی	۰/۲۹۳	۰/۱۰۷	۰/۰۶۱	۰/۰۰۱
	روابط ابژه ← روابط فرازنشویی	۰/۱۳۹	۰/۰۳۹	-۰/۲۲۹	۰/۰۰۱
کل	مرزهای زوجینی ← روابط فرازنشویی	۱/۰۷۸	۰/۲۲۳	-۰/۲۲۶	۰/۰۰۱

مطابق جدول ۳، نتایج تحلیل داده‌های مربوط به همه شاخص‌های برازندگی نشان می‌دهد که مدل ساختاری از قابلیت پیش‌بینی‌کننده بودن روابط فرازنشویی براساس متغیرهای مورد مطالعه (روابط ابژه و مرزهای زوجینی) با میانجی‌گری احساس تنهایی حمایت می‌کند. یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که ضریب مسیر روابط ابژه و روابط فرازنشویی منفی بوده و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است ($\beta = -0/229$)، بدین ترتیب وجود رابطه بین متغیر فرازنشویی و روابط ابژه در زنان متأهل مورد مطالعه تأیید شد. ضریب مسیر کل بین مرزهای زوجینی با روابط فرازنشویی منفی و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است ($\beta = -0/226$)، بنابراین، وجود رابطه بین روابط فرازنشویی و مرزهای زوجینی نیز تأیید شد. اطلاعات جدول ۳ بر این دلالت دارد که ضریب مسیر غیرمستقیم بین روابط ابژه و روابط فرازنشویی با میانجی‌گری احساس تنهایی مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است ($\beta = 0/087$)، براین اساس، احساس تنهایی در رابطه بین روابط فرازنشویی با روابط ابژه نقش میانجی دارد. ضریب مسیر غیرمستقیم بین مرزهای زوجینی و روابط فرازنشویی با میانجی‌گری احساس تنهایی مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است ($\beta = 0/061$)، ازاین‌رو، احساس تنهایی در رابطه بین روابط فرازنشویی با مرزهای زوجینی نقش میانجی دارد.



شکل ۱: نمودار معادلات ساختاری پیش‌بینی روابط فرازنشویی براساس روابط ابژه و مرزهای زوجینی با میانجی‌گری احساس تنهایی

برای بررسی اثر مستقیم و غیرمستقیم متغیر احساس تنهایی در قالب میانجی در رابطه بین روابط فرازنشویی با متغیرهای مرزهای زوجینی و روابط ابژه از نرم‌افزار AMOS و شاخص‌های برازندگی استفاده شد. نمودار ۱ معادلات ساختاری پیش‌بینی روابط فرازنشویی براساس روابط ابژه و مرزهای زوجینی با میانجی‌گری احساس تنهایی را نشان می‌دهد. شاخص‌های برازش مدل کلی نشان‌دهنده مناسب بودن مدل معادلات ساختاری برای پیش‌بینی روابط فرازنشویی براساس روابط ابژه و مرزهای زوجینی با میانجی‌گری احساس تنهایی است. نتایج تحلیل داده‌های مربوط به همه شاخص‌های برازندگی بر این دلالت دارد که مدل ساختاری از قابلیت پیش‌بینی‌کننده بودن روابط فرازنشویی براساس متغیرهای مورد مطالعه (روابط ابژه و مرزهای زوجینی) با میانجی‌گری احساس تنهایی حمایت می‌کند. مجموع مجذور همبستگی‌های چندگانه متغیرهای روابط ابژه، مرزهای زوجینی و احساس تنهایی با روابط فرازنشویی بیانگر آن است که با مسیر آزمون شده حدود ۶۰٪ واریانس روابط فرازنشویی را می‌توان براساس متغیرهای روابط ابژه و مرزهای زوجینی و احساس تنهایی در زنان متأهل مورد مطالعه پیش‌بینی کرد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر نشان داد که بین روابط فرازنشویی و روابط ابژه در زنان متأهل مورد مطالعه، رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش تقییان و قاسمی مروج (۱۳۹۹) و عباسی و همکاران (۱۴۰۰) همخوانی دارد. آنها در بررسی‌های



خود به این نتیجه رسیدند که روابط ابژه نامناسب باعث افزایش روابط فرازناشویی می‌شود. ابژه‌ها یعنی، همان افراد مهم زندگی و روابطی که فرد با آنها دارد به مرور زمان عواطفی در انسان ایجاد می‌کند که باعث درونی کردن این روابط و عواطف همراه با آن می‌شود. اگر در روابط اولیه، احساس رضایت، حمایت و درک شدن تجربه شده باشد در روابط بعدی نیز انسان به دنبال چنین احساسی است و بالعکس. گویی رابطه اولیه فرد و مادر، آینه‌ای است که کودک، خود را نخستین بار در آن می‌بیند و نسبت به خود و محیط شناخت پیدا می‌کند. شهیاد (۱۳۹۴) دریافت که کودک در مراحل رشد خود درمی‌یابد چه زمانی نسبت به ابژه‌هایش احساس خشم داشته است و تصویر آرمانی که از ابژه‌هایش ساخته است، واقعی نیستند و باید ظرفیت تحمل این فقدان را در خود پرورش دهد که این احساس گناه باعث شکل‌گیری وجدان می‌شود. وجدان همان نیروی درونی است که فرد را از بدی‌ها نهی و به سمت خوبی‌ها سوق می‌دهد. درک این مفهوم زمانی پیچیده می‌شود که فرد بداند وجدان طی مراحل رشدی در هر فرد به گونه‌ای متفاوت تجلی می‌یابد. اگر روابط فرد با خانواده و به ویژه همسر، نامناسب و غیرمنطقی باشد فرد را به سمت روابط فرازناشویی می‌کشاند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بین روابط فرازناشویی و مرزهای زوجینی در زنان متأهل رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد. این یافته با نتایج بررسی برونس و همکاران (۲۰۱۹) و هوشیاری و صفورایی پاریزی (۱۳۹۷) همسو می‌باشد. آنها در مطالعات خود دریافتند که یکی از مهمترین مرزهای زیرمنظومه زوجینی، تعهد خاص زناشویی است که درمقابل آن روابط فرازناشویی قرار دارد و به معنای عبور یکی از همسران از حدود رابطه زناشویی با برقراری صمیمیت عاطفی یا فیزیکی با فردی دیگر است. قرآن کریم به وفور به اهمیت این مرزها اشاره می‌کند که زوجین باید فقط با همسران خود رابطه عاطفی - جنسی داشته باشند (مؤمنون: ۵ و ۶؛ معارج: ۲۹ و ۳۰) و در این روابط از مرزهای شرعی تجاوز نکنند و مرتکب ارتباط‌های جنسی نامشروع ویرانگر نشوند (شعراء: ۱۶۶). تقیان و قاسمی مروج (۱۳۹۹) دریافتند که تأمین منظم و تثبیت شده نیازهای فطری همسران یا همان پیوند مطلوب عاطفی - جنسی و ترک روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج و مرزهای خانواده از مهمترین عوامل ثبات خانواده است. بنابراین، اسلام بدون توجه به جنسیت، توجه ویژه‌ای به حفظ عفت جنسی دارد و سخت‌ترین مجازات‌ها را برای جرایم جنسی در نظر گرفته است. اسلام به دلیل

اهمیت مرزهای جنسی زیرمنظومه زوجینی، هرگونه تعدی از این حدود و نزدیک شدن به آنها و حتی تعدی‌های جزئی و فکر کردن به آنها را ممنوع می‌داند. خروج هریک از زوجین از مرزهای بیان شده به محبت و مودت متقابل آنها آسیب جدی وارد و زمینه را برای خیانت و تعدی طرف مقابل فراهم می‌کند. این‌گونه ارتباط‌ها با روابط ابژه و مرزهای زوجینی مختل و نامناسب همراه است.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که احساس تنهایی در رابطه بین روابط فرازناشویی با روابط ابژه نقش میانجی دارد. هرچند در مرور مطالعاتی، پژوهشی که موضوع را بررسی کند به دست نیامد، ولی برای تبیین نتایج پژوهش حاضر می‌توان به توضیح دیدگاه روابط ابژه در زمینه ارتباطات به‌ویژه در ارتباط زوجین پرداخت. دیدگاه روابط موضوعی یا ابژه بر این اعتقاد است که اتفاق‌ها و ارتباط‌های اولیه زندگی بر روابط انسان در بزرگسالی تأثیر می‌گذارد و شیوه برخورد مراقبین اولیه کودک بر شیوه برخورد او در بزرگسالی با شریک زندگی تأثیر می‌گذارد. در نتایج پژوهش، خودمحوری بیشترین نقش را در تبیین عدم رضایت زناشویی دارد. خودمحوری متشکل از بی‌اعتمادی به دیگران و کنترل و اعمال قدرت به دیگران است. فرد خودمحور توانایی تمایز خود از دیگری را به‌صورت موضوع جداگانه ندارد؛ در نتیجه هویت فرد مقابل را به‌گونه‌ای مجزا نمی‌پذیرد و باعث رفتارهای خودخواهانه می‌شود. هرچه فرد از نظر شخصیتی محکم‌تر باشد و تعریف دقیق‌تری از خود داشته باشد، توان تمیز خود از دیگری را بیشتر دارد و برای شریک زندگی خود در قالب فردی جداگانه ارزش قائل است. صمیمیت، سازگاری، توانایی پذیرش استقلال و تمایز هویت دیگری از ویژگی‌های اصلی برقراری ارتباط صمیمانه است که در قالب حل مفهوم خودمحوری ممکن می‌شوند. بیگانگی از مؤلفه‌های دیگر روابط ابژه است که باعث بی‌معنایی زندگی و جدایی از دیگران می‌شود. تئوری روابط موضوعی نشان می‌دهد افرادی که تجارب دردناک کودکی دارند دچار اختلال در روابط بین فردی، احساس بیگانگی بیشتر و مشکل در صمیمیت می‌شوند. چنین افرادی امکان ورود به رفتارها و ارتباط‌های فرازناشویی را دارند و آسیب در نظام خانواده آنها به‌وجود می‌آید (شهید، ۱۳۹۶).

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که احساس تنهایی در رابطه بین روابط فرازناشویی



با مرزهای زوجینی نقش میانجی دارد. هرچند در مرور مطالعاتی به پژوهشی که این ارتباط را بررسی کرده باشد، به دست نیامد، ولی در ادبیات تحقیق می‌توان دلیل نقش میانجی‌گری را برای احساس تنهایی دریافت. یکی از عوامل تأثیرگذار بر تعهد زناشویی زوجین مرزهای زوجینی خانواده است. تعهد خاص زناشویی به معنای محدود کردن روابط عاطفی-جنسی از مرزهای زیرمنظومه زوجینی است. وارد نشدن در دوستی‌های پنهانی با نامحرم، نشکستن انحصار جنسی زوجینی، وارد نشدن در حریم جنسی دیگران با نگاه، سخن و رفتار، خارج نشدن از حریم زوجینی حتی در فکر، خودآرایی کردن همسران فقط برای یکدیگر، وارد نکردن دیگران در حریم عاطفی-جنسی زوجینی، همگی به دلیل اینکه تعیین‌کننده کمیت و کیفیت تعاملات زوجین با بیرون از حریم خصوصی همسران است و قابل تغییر نیست از مرزهای انعطاف‌ناپذیر زیرمنظومه زوجینی به شمار می‌آید. افرادی که پایبند رعایت مرزهای زوجینی هستند افراد متعهد به زندگی زناشویی به شمار می‌روند و در نتیجه کمتر به روابط فرازناشویی گرایش دارند. یکی از مهمترین اهداف تشکیل خانواده رسیدن به آرامش است. برای تحقق این آرامش، تعهد زناشویی اهمیت و نقش بسزایی دارد. براساس نظر گلن و کرامر^۱ (۱۹۸۷) تجربیات و مشخصه‌های فردی با تعهد زناشویی ارتباط دارد. احساس تنهایی یکی از مشخصه‌های فردی بوده و با تعهد زناشویی ارتباط دارد. افراد با سطح احساس تنهایی بالا توان مدیریت احساسات و عواطف خود را ندارند. بنابراین، نمی‌توانند به صورت کامل روابط عاطفی-جنسی خود را به همسر خود محدود کنند. آنها در روابط خود به حدود روانی-عاطفی ارتباط با یکدیگر از جمله آراستگی فردی، پاسخ‌گویی به نیازهای طرفینی و پرهیز از بی‌اعتنایی و بی‌میلی به یکدیگر پایبند نیستند. عدم تقید به حدود تعاملات زوجینی باعث کاهش تعهد زناشویی می‌شود. از آنجاکه ازدواج و انتخاب همسر یکی از تصمیمات مهم زندگی زوجین است و پژوهش‌های مختلف رابطه بین متغیرهای مورد مطالعه و سلامت زندگی زوجین را تأیید می‌کند، پس برخورداری همسران از رضایت جنسی، تعهد زناشویی و در نظر داشتن مرزهای زوجینی می‌تواند زمینه‌ساز سلامت خانواده و ایجاد آرامش در تعاملات زوجین با یکدیگر و کاهش

1. Glenn, G. V., & Krammer, M. G.

روابط فرازناشویی شود.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که همه شاخص‌های برزندگی حاصل از تحلیل مدل‌یابی معادلات ساختاری برازش مناسبی دارند و می‌توان روابط فرازناشویی را براساس روابط ابژه و مرزهای زوجینی با میانجی‌گری احساس تنهایی پیش‌بینی کرد. یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات زارع‌گاریزی و همکاران (۱۳۹۹)، بردوده و همکاران (۲۰۱۸)، اشمیت و همکاران (۲۰۱۶) و برونس و همکاران (۲۰۱۹) همسویی دارد. همان‌گونه که از ادبیات تحقیق برمی‌آید روابط فرازناشویی یکی از مهمترین تهدیدها برای ثبات روابط زناشویی و از عمده‌ترین دلایل طلاق در فرهنگ‌های مختلف است (چوی و لی، ۲۰۲۱؛ دریگوتاس، سافستروم و جنتیلیا، ۱۹۹۹). در نتیجه افشای روابط فرازناشویی همسر، واکنش‌های عاطفی مختلفی مانند افسردگی، خشم، سرافکندگی و پریشانی در بسیاری از افراد ایجاد می‌شود که بهزیستی جسمی، روانی و عاطفی هردو شریک را تهدید می‌کند. همان‌طور که اشمیت و همکاران (۲۰۱۶) مطرح کردند زنانی که بیشتر منزوی، گوشه‌گیر، درون‌گرا و نوروپیک هستند، به دلیل احساس تنهایی ممکن است با کسی که در زدودن تنهایی و انزوای عاطفی آنها مؤثر باشد، پیوند صمیمانه برقرار کنند که این امر باعث ازهم پاشیدن نظام خانواده می‌شود.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر روابط فرازناشویی براساس روابط ابژه و مرزهای زوجینی با میانجی‌گری احساس تنهایی در زنان متأهل قابل پیش‌بینی است. بنابراین، با تأکید بر احتیاط لازم برای تعمیم نتایج به سایر جوامع آماری پیشنهاد می‌شود تا وزارت خانه‌ها و سازمان‌های متولی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان بهزیستی، صدا و سیما و سرای محله شهرداری‌ها آموزش‌هایی برای تقویت نظام خانواده به‌ویژه در زمینه روابط ابژه و مرزهای زوجینی، تمهیداتی برای آموزش برقراری ارتباط بین فردی مؤثر زوجین با یکدیگر و رفع احساس تنهایی در نظر بگیرند تا زمینه کاهش گرایش افراد به روابط فرازناشویی در زنان متأهل و ارتقای سطح سلامت خانواده‌ها میسر شود.

پژوهش حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه است. بدین وسیله از همه اساتیدی که با آموخته‌های خود موجبات ارتقای سطح علمی، کاربردی و بینشی دانشجویان را فراهم می‌کنند و از تمام زنان متأهل

شرکت‌کننده در پژوهش حاضر تشکر و قدردانی می‌شود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۴۰۰)، مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱. اسدی، عدالت، فتح‌آبادی، جلیل، و محمدشریفی، فواد (۱۳۹۲). بررسی رابطه دلزدگی زناشویی، باورهای بدکارکردی جنسی و احقاق جنسی در زنان متأهل. *نشریه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۳(۴)، ۶۶۱-۶۸۴.
 ۲. بردوده، سهیلا، راه‌نجات، امیرحسین، ربیعی، مهدی، و کیانی‌مقدم، امیرسام (۲۰۱۸). تعیین رابطه بین احساس تنهایی با وابستگی به اینترنت و تعارض زناشویی در زوجین. *نشریه پرستار و پزشک در رزم*، ۱۶(۵)، ۳۱-۳۷.
 ۳. تقیان، حسن، و قاسمی مروج، مهدی (۱۳۹۹). پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس تمایز یافتگی زوجین با نقش میانجی مرزهای زوجینی خانواده. *نشریه پژوهش‌های اسلامی*، ۳(۱)، ۲۱-۳۸.
 ۴. رفیعی، سحر، حاتمی، ابوالفضل، و فروغی، علی‌اکبر (۱۳۹۰). رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگارانه اولیه و سبک دلبستگی در زنان دارای خیانت زناشویی. *نشریه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی زنان*، ۱۲(۱)، ۲۱-۳۶.
 ۵. زارع‌گاریزی، معصومه، ابراهیمی مقدم، حسین، و ابوالعالی‌الحسینی، خدیجه (۱۳۹۹). پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس نیازهای بنیادین روان‌شناختی و صمیمیت با واسطه‌گری تمایز یافتگی خود. *نشریه روان‌شناسی کاربردی*، ۵۳، ۵۶-۷۶.
 ۶. سید موسوی، مه‌ری، و محرمی، جعفر (۱۳۹۸). ناگویی هیجانی، احساس تنهایی و ترس از صمیمیت: پیش‌بینی‌کننده‌های نگرش به خیانت در مردان. *نشریه روان‌شناسی معاصر*، ۲۷(۱)، ۱۲-۲۱.
 ۷. شهید، عاطفه (۱۳۹۶). رابطه بین سبک دلبستگی، کیفیت زندگی و توجیه روابط فرازناشویی. *نشریه مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۱۳(۱)، ۷۶-۹۰.
 ۸. عارفی، مختار، رحیمی، روح‌اله، و شیخ‌اسمعیلی، دلنیا (۱۳۹۵). پیش‌بینی سازگاری زناشویی زوج‌های جوان فرهنگی بر مبنای میزان تمایز یافتگی از خانواده اصلی و رضایت زناشویی والدین. *نشریه علمی-پژوهشی خانواده و پژوهش*، ۱۳(۲)، ۷۷-۱۰۶.
 ۹. عباسی، لیلی، فتحی‌آشتیانی، علی، فراهانی، حجت‌الله، و آزاد فلاح، پرویز (۱۴۰۰). تحلیل الگوهای غالب روابط موضوعی در زوج‌های ایرانی. *نشریه روان‌شناسی تحولی*، ۱۷(۶۷)، ۲۴۵-۲۵۷.
 ۱۰. علی‌تبار، سید هادی، قنبری، سعید، زاده‌محمدی، علی، و حبیبی، مجتبی (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین روابط جنسی پیش از ازدواج با نگرش به روابط فرازناشویی. *نشریه خانواده‌پژوهی*، ۲۰(۲)، ۲۵۵-۲۶۷.
 ۱۱. گودرزی، امیرحسین، کیخسروانی، مولود، دیره، عزت، و گنجی، کامران (۱۳۹۵). اثربخشی واقعیت‌درمانی بر انعطاف‌پذیری و دلزدگی زناشویی و تعهد اجتماعی در زوجین متقاضی طلاق شهرستان ملایر. *نشریه زن و خانواده*، ۱۲(۴۹)، ۷-۲۷.
 ۱۲. مدرسی، فریبا، زاهدیان، سید حسین، و هاشمی محمدآباد، سید نذیر (۱۳۹۳). میزان سازگاری زناشویی و کیفیت عشق در متقاضیان طلاق با سابقه خیانت زناشویی و فاقد سابقه خیانت زناشویی. *نشریه/رمغان دانش*، ۱۹(۱)، ۷۹-۸۸.
 ۱۳. هادی‌نژاد، حسن، طباطباییان، مریم، و دهقانی، محمود (۱۳۹۳). بررسی مقدماتی روایی و پایایی پرسش‌نامه روابط موضوعی و واقعیت‌آزمایی بل. *نشریه روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۲۰(۲)، ۱۶۹-۱۶۲.
 ۱۴. هوشیاری، جعفر، و صفورایی پاریزی، محمد مهدی (۱۳۹۷). ارزیابی مرزهای خانواده در روان‌شناسی از نگاه قرآن و روایات. *نشریه مطالعات علوم قرآن*، ۲، ۱۵۷-۱۷۷.
 ۱۵. هوشیاری، جعفر، صفورایی پاریزی، محمد مهدی، جزایری، سید حمید، و تقیان، حسن (۱۳۹۹). مرزهای دورنی خانواده از نگاه روان‌شناسی و قرآن. *نشریه پژوهش‌های اسلامی زنان و خانواده*، ۲۰(۸)، ۲۲-۳۹.
 16. Aviram, I., & Amichai-Hamburger, Y. (2006). Online Infidelity: Aspects of Dyadic Satisfaction, Self-Disclosure, and Narcissism. *JCMC*, 3(10), 102- 111. <https://doi.org/10.1111/j.1083-6101.2005.tb00249.x>
 17. Brunas, A., Hansen, M. B., & Heir, T. (2019). Loneliness among adults with visual impairment: prevalence, associated factors, and relationship to life satisfaction. *J. Health and quality of life outcomes*, 17(1), 24- 31. <https://doi.org/10.1186/s12955->

019-1096-y

18. Choy, B. K. C., & Li, N. P. (2021). *Factors that promote or predict infidelity; Encyclopedia of Sexuality and Gender*. Singapore: Springer.
19. Drigotas, S. M., Safstrom, C. A., & Gentilia, T. (1999). An investment model prediction of dating infidelity. *Journal of Personality and Social Psychology*, 77(3), 509- 524. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.77.3.509>
20. Elizur, J., & Minuchin, C. (1990). *Institutionalizing Madness: Families, Therapy and Society*. Washington DC: APA psycinfo.
21. Gierveld, D. J., Broese Van Groenou, M. I., Hoogendoorn, A. W., & Smit, J. H. (2009). Quality of marriages in later life and emotional and social loneliness. *The Journals of Gerontology. Psychological Sciences and Social Sciences*, 64(4), 497-506. <https://doi.org/10.1093/geronb/gbn043>
22. Glenn, G. V., & Krammer, M. G. (1987). Examining individualism, collectivism and differentiation in African American College Women. *Journal of Mental Health Counseling*, 25, 1- 15.
23. Glick, I. D., Rait, D. S., Heru, A. M., & Ascher, M. (2017). *Couples and family therapy in clinical practice*. USA: Wiley-Blackwell.
24. Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (2008) *Family Therapy an Overview*. Brookscole: Cengage Learning.
25. Hsieh, N., & Hawkley, L. (2017). Loneliness in the older adult marriage: Associations with dyadic aversion, indifference, and ambivalence. *Journal of Social and Personal Relationships*. <https://doi.org/10.1177/0265407517712480>
26. Isanejad, O., & Bagheri, A. (2018). Marital Quality, Loneliness, and Internet Infidelity. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, 21(9), 542- 548. <https://doi.org/10.1089/cyber.2017.0602>
27. Lambert, N. M., & Dollahite, D. C. (2008). The threefold cord marital commitment in religious couples. *Journal of Family Issues*, 29(5), 592- 614.
28. Mitchell, S., & Black, M. (1995). *Freud and beyond: A history of modern psychoanalytic concepts*. New York: Basic Books.
29. Russell, D., Peplau, L. A., & Cutrona, C. E. (1980). The revised UCLA Loneliness Scale: concurrent and discriminant validity evidence. *Journal of personality and social psychology*, 39(3), 472- 480. <https://doi.org/10.1037//0022-3514.39.3.72>
30. Scharff, D. E., & Scharff, J. S. (2014). *Psychoanalytic couple therapy: Foundations of theory and practice*. Karnac Books: Published by Routledge.
31. Schmidt, A. E., Green, M. S. Sibley, D. S., & Prouty, A. M. (2016). Effects of parental infidelity on adult children's relational ethics with their partners: A contextual perspective. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 15(3), 193- 212.
32. Siegel, D. (2020). *The Mindful Therapist: A Clinician's Guide to Mindsight and Neural Integration*. New York: W. W. Norton & Company.
33. Stokes, J. E. (2017). Two-wave dyadic analysis of marital quality and loneliness in later life: results from Irish longitudinal study on ageing. *Research on aging*, 39(5), 635- 656. <https://doi.org/10.1177/016402751562422>

